

متن پرسش

سلام استاد: من دچار مشکلات ذهنی و اعتقادی شده ام که توضیحش کمی سخت است. استاد من دیدگاههای متفاوتی را به دین تجربه کرده ام. احساسات متفاوتی را داشته ام. زمانی با اردوهای راهیان نور همراه بوده ام و حس کرده ام که اصل حقیقت همانجاست. دینی که نیاز به توضیح و کتاب ندارد. مفاهیم کاملاً اشراقی، و زمانی با خواندن کتب امام موسی صدر یا استاد دینانی نظر کاملاً عاقلانه ای پیدا کرده ام، کمی از کتابهای دکتر صفایی را خوانده ام و کتب شهید مطهری را و تعدادی از کتب شما را و الان دچار سردرگمی بدی هستم. کدام برداشت درست است؟ کدام احساس درست است؟ کدام نگاه درست است؟ واقعیت کدام است؟ چرا برخی ها را دشمن گرفته ام و گمراه در همین کشور و تعدادی را معصوم دیده ام؟ حال خیلی بدی دارم. گاهی فکر می کنم اصل آفرینش من برای چه بود؟ چه کاری باید بکنم که وقت مرگ شرمنده از خداوند بزرگ نباشم؟ استاد من دانشجوی سال پنجم پزشکی هستم و خانم هم هستم، حالا در مساله ازدواج هم دچار سردرگمی هستم چون راه اصلی زندگی را نمی دانم. نمی دانم چقدر منظورم را درست رسانده ام. من نمی دانم که هستم یک دانشجوی فعال بسیجی مذهبی؟ یک پزشک که فقط باید درس بخواند؟ یک آدم مذهبی که مستقل از همه جریانهای سیاسی است؟ نمی دانم. ممنون میشوم راهنمایی بفرمایید.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به نظرم اگر به افکار هرکدام از عزیزانی که ذکر فرموده‌اید با دقت توجه کنید همه به یک حقیقت اشاره دارند و آن اشاره به حقیقتی است که خداوند تحت عنوان شریعت اسلام به قلب مبارک حضرت محمد «صلوات‌الله‌علیه‌وآله» وحی فرمود و همه‌ی این کتاب‌ها برای انس بیشتر به دستورات شریعت اسلام است و لذا جای هیچ سردرگمی نیست. با قوت تمام به دستورات شریعت الهی عمل کنید تا به مرور با نور قلب مبارک حضرت محمد «صلوات‌الله‌علیه‌وآله» و اهل‌البیت «علیهم‌السلام» به اسلام نزدیک شوید و در آن فضا متوجه می‌شوید که در این تاریخ می‌توانید سخن حق را از زبان حضرت آیت‌الله خامنه‌ای «حفظه‌الله» بشنوید و تصدیق کنید. موفق باشید